

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام عدد (۹۹)

بیان حق و سداد

از طریق علم اعداد

(جزء اول و دوم)

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾

احمد الحسن

وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام

چاپ اول

۱۴۳۵ هـ. ق - ۲۰۱۴ م

مرداد ماه ۱۳۹۳ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

این کتاب:

جواب سید احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) (یمانی موعود) به سؤالی است که نویسنده، استاد ماجد مهدی مطرح کرد، و سید احمد الحسن در این جواب حساب حروف با اعداد را به کار بردند، به خصوص جمع بزرگ و جمع کوچک، تا نویسنده آن را حتی اگر شده به طور اجمالی بفهمد و مسئله مبهمی برای وی نباشد. بعضی از نوشته‌های استاد ماجد مهدی که در کتابی تحت عنوان (آغاز جنگ امریکا علیه مهدی) را نقل می‌کنیم.

در فصل سوم کتاب می‌گوید: (و خواننده مصداق (علم حروف) را از خلال آنچه بعداً روشن می‌شود، می‌یابد. و اساس علم حروف این است که هر حرفی دارای ارزش عددی معینی است که صفتی برای آن حرف می‌باشد (یا آنچه روح آن خوانده می‌شود) که بر اساس ترتیب (ابجد هوز حطی و...) و این حروف:

۱ = ا	۱۰ = ی	۱۰۰ = ق	۱۰۰۰ = غ
۲ = ب	۲۰ = ک	۲۰۰ = ر	
۳ = ج	۳۰ = ل	۳۰۰ = ش	
۴ = د	۴۰ = م	۴۰۰ = ت	
۵ = هـ	۵۰ = ن	۵۰۰ = ث	
۶ = و	۶۰ = س	۶۰۰ = خ	
۷ = ز	۷۰ = ع	۷۰۰ = ذ	
۸ = ح	۸۰ = ف	۸۰۰ = ض	
۹ = ط	۹۰ = ص	۹۰۰ = ظ	

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد- ج ۱ و ۲..... ۷

و حساب‌های حروفی زیادی موجود است. جمع حروف همان‌طور که گفته می‌شود (جمع با حروف بزرگ)، یا جمع حروف (تبدیل آن به اعداد جداگانه مثل حرف لام = ۳۰. اما تبدیل آن‌ها به رقم جداگانه با صرف ده‌گان آن می‌شود ل = ۳ و همچنین نسبت به ارقامی که صدگان داشته باشند، مرتبه صدگان حذف می‌شود مثلاً حرف ت = ۴۰۰ که می‌شود ت = ۴) این گونه جمع را (جمع کوچک) می‌نامند. در زیر مثال‌هایی برای مصداق بودن علم حروف ذکر می‌کنیم.

سؤال: ما هو کتاب الله. یعنی: کتاب خدا کدام است.

به هر حرف ارزش عددی را بر حسب جمع کوچک، می‌دهیم.

م + ا + ه + و + ک + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه

$$۳۷ = ۵ + ۳ + ۳ + ۱ + ۲ + ۱ + ۴ + ۲ + ۶ + ۵ + ۱ + ۴$$

جواب: هو القرآن الکریم. یعنی: آن قرآن کریم است.

هنگامی که ارزش حروفی جمله (هو القرآن الکریم) را جمع می‌بندیم، می‌بینیم که ارزش عددی همان خواهد بود.

ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ک + ر + ی + م

$$۳۷ = ۴ + ۱ + ۲ + ۲ + ۳ + ۱ + ۵ + ۱ + ۲ + ۱ + ۳ + ۱ + ۶ + ۵$$

الان می‌پرسیم: من هو محمد؟ یعنی: محمد کیست؟

م + ن + ه + و + م + ح + م + د

$$۴۰ = ۴ + ۴ + ۸ + ۴ + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

جواب: هو رسول الله. یعنی: رسول خداست.

ه + و + ر + س + و + ل + ل + ا + ل + ه

$$۴۰ = ۵ + ۳ + ۳ + ۱ + ۳ + ۶ + ۶ + ۲ + ۶ + ۵$$

می‌بینیم که هر دو جمله دارای یک ارزش عددی هستند. از قرار معلوم که ارزش عددی برای اسم محمد در جمع بزرگ (۹۲) می‌باشد یعنی ۲+۹۰ که در هنگام تغییر به جمع کوچک (۲+۹) می‌شود. و اکنون دوباره می‌پرسیم:

من هو محمد: م + ن + ه + و + (م + ح + م + د)

$$۳۱ = (۲+۹) + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

جواب: هو نبي الله: هـ + و + ن + ب + ي + ا + ل + ل + هـ
۵ + ۶ + ۵ + ۲ + ۱ + ۱ + ۳ + ۳ + ۵ = ۳۱.

این مثال‌های ساده امکان به دست آوردن آنها هنگام عمل به این علم گسترده، وجود دارد...
سخن استاد ماجد مهدی به پایان رسید.

سید احمد الحسن به وسیله آنچه نویسنده خود را به آن پایبند کرده، جواب می‌دهد. و هر کس خود را با این جمع ملزم می‌داند بر او حجت بالغ و تام خواهد بود. از حجت این که به هر چه خود را ملزم می‌دانند بر آنها حجت وارد کنید. و شاید دری از درهای هدایت مردمی باشد که از خلال این علم به دنبال حقیقت هستند چون راه‌های رسیدن به خدا به اندازه آدمیان است.

انصار امام مهدی (علیه السلام)

مکن الله له فی الارض

۱۴۲۶ هـ. ق

۱۳۸۴ هـ. ش

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد

(جزء اول)

سؤال نویسنده استاد ماجد مهدی:

بسم الله الرحمن الرحيم.

الحمد لله و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين.

سيد احمد الحسن... سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

من مؤلف بخشی درباره امام مهدی با عنوان (آغاز جنگ امریکا علیه امام مهدی) هستم و یکی از برادران از آن چه به آن دعوت می کنید، مرا خبر دار کرد و آدرس اینترنتی را به من داد تا اطلاع وسیعی از آراء و ادعای شما به دست آورم و در حقیقت من - مرا به خاطر سخنم ببخشید- در ادعای شما جز کلام بیهوده چیزی ندیدم. سخن است که در طول زمان اشخاص زیادی ادعاء کردند، و برای من ثابت نشد که امام زمان (عج) فرستاده ای برای مردم بفرستد اما مسائلی را فهمیدم که در کتاب ذکر نکردم و به همین سبب اگر آن چه شما می گوئید حق باشد بر شما واجب است که نسبت به آن ها احاطه داشته باشید. چون شما ادعاء می کنید که از همه مردم نسبت به کتاب خدا آگاه تر هستید و سؤال من این است: در سوره فاتحه دو اسم، مخفی هستند و از خود سوره استخراج می شوند و به غیر از آن چه شناخته می شوند، نوشته می شوند و یکی از آن ها از راست به چپ و دومی از چپ به راست نوشته می شوند. این دو اسم چه هستند و چگونه ظاهر می شوند؟ و اگر از شما جوابی برای این سؤال دریافت کردم ان شاء الله از پیروان شما خواهم بود اما اگر جوابی نشنیدم به این معنی است که ادعای شما باطل است و سپاس خدایی که مرا به این امر هدایت کرد و هدایت نمی شدیم اگر خدا هدایت نمی کرد.

و درود بر محمد و آل محمد.

ماجد المهدی

۲۴/ربیع الثانی/۱۴۲۶ ه.ق.

۱۲/خرداد ماه/۱۳۸۴ ه.ش

جواب سید احمد الحسن

وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) (بمانی موعود)

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و درود خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهديين باد.
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ * وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ﴾. (۱)

(همانا در این هلاکت‌ها برای کسانی که از عذاب روز محشر می‌ترسند، عبرتی است. روز محشر همان روزی است که همه خلق در آن جمع می‌شوند و روزی که همه آن را ببینند * و ما آن را جز تا زمان معینی، به تأخیر نیفکنید).

۱. اگر شما به طور مختصر و نه گسترده از کتاب‌های متشابهات، گزیده‌ای از تفسیر فاتحه، روشن‌گری‌ها، فتنه‌گوساله و کتب موجود دیگر در سایت اطلاع پیدا می‌کردی که به نظر شما سخنی بیهوده و بی‌ارزش است، می‌دیدی روشن کردم که همه اسامی الله و اسامی پیامبر (علیهم السلام) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و ائمه و مهديين نیز در این سوره می‌باشند.

۲. و برای جناب عالی ثابت نشده که امام مهدی فرستاده‌ای را می‌فرستد، پس محمد صاحب نفس زکیه رسول و فرستاده نیست؟ و غلامی که امر را به دست می‌گیرد، فرستاده نیست؟ و یمانی فرستاده نیست؟ و قیام‌گر مشرق فرستاده نیست؟ (احادیثی که از اهل بیت وارد شده و شیخ ناظم العقیلی در کتاب پاسخ دندان‌شکن به آن‌ها استناد کرد که آن عبارت است از مناظره‌ای با سید سیستانی و مکتب وی و مرکز تحقیقات عقائدی).

از اصبع بن نباته نقل است که گفت: (خدمت امیر المؤمنین رسیدم، دیدم که ایشان در حال فکر کردن بوده، چوبی در دست گرفته و به زمین می‌زدند. به ایشان عرض کردم: ای امیر مؤمنان! چه شده است که به این صورت فکر می‌کنید و چوب را به زمین می‌زنید؟ این کار از روی رغبت به زمین است؟ {یعنی مشغول فکر کردن در مورد زمین و دنیا و زیورآلات آن هستید، یا حادثه‌ای پیش آمده که شما را به فکر فرو برده است؟} حضرت فرمودند: خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به

زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر کردم که از نسل فرزند یازدهم من است. نامش مهدی است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند. عرض کردم: یا امیر مؤمنین! حیرت و غیبت او چقدر است؟ حضرت فرمودند: شش روز یا شش ماه یا شش سال. عرض کردم: آیا این امر واقع می‌شود؟ فرمودند: بله، همان‌طور که او خلق شده است و تو کجا علمت به این امور می‌رسد؟ ای اصیغ. آن‌ها بهترین و برگزیدگان این امت هستند که با خوبان و نیکوکاران این عترت خواهند بود. عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمودند: هر چه که خدا بخواهد انجام می‌دهد، و تحقیقاً خداوند اراده‌ها و غایات و نهایاتی دارد.^(۲)

و یازدهمین امام از فرزندان امیر مؤمنان (علیه السلام)، امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و کسی که از نسل او می‌آید مهدی اول از مهدیین دوازده‌گانه است و او وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد. در دعای امام رضا (علیه السلام) برای امام مهدی آمده است: (... خداوند به او عطاء فرما در حق خود آن بزرگوار و اهل و فرزندش و جمیع رعیتش آن‌چه موجب روشنی چشم و ... شود).^(۳)

این فرزند که امام رضا وی را مخصوصاً از بقیه جدا کرده و او را دعاء کرده مهدی اول، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) است. خدا را سپاس می‌گویم که مرا نزد خود و نزد پدرانم (علیهم السلام)، رسول اعظم محمد (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) ذکر کرده و مرا فراموش نکرده است. سپس شما در کتاب خود به ارسال از طرف مهدی جواب دادید. پس چه شد که از نظر خود صرف نظر کردید؟ و این خود سخن شما است که در فصل سوم گفتید: (و خواهش دارم که خواننده مانده کسانی نباشد که به پیامبر خدا موسی (علیه السلام) گفتند می‌خواهیم خدا را به طور آشکار ببینیم، و اکنون اگر فرض کنیم که خداوند سبحان بخواهد که برای مردم توضیح دهد که ظهور امام مهدی (علیه السلام) نزدیک است، ان شاء الله، و بر آن‌ها واجب است که برای بر پا داشتن پرچم لا اله الا الله محمد رسول الله او را یاری دهند، چگونه این توضیح یا تبلیغ به انجام می‌رسد؟ پس لازم است این امر انجام

۲- غیبت طوسی- شیخ طوسی ص ۳۲۴-۳۲۳ عربی- فارسی- ص ۱۶۶-۱۶۴ عربی ص ۳۳۶ و ۲۸۲ - دلایل الإمامة- طبرسی (شیعی) ص ۵۲۹-۵۳۰ ح ۵۰۴ - الإختصاص - شیخ مفید ص ۲۰۹ - الهدایة الکبری- حسین بن همدان الحصبی: ص ۳۶۲ با اختلافی اندک.

۳- غیبت طوسی ص ۲۷۹ عربی- جمال الأسبوع ص ۲۰۶ - مصباح الکفعمی ص ۵۴۷ - مفاتیح الجنان ص ۶۱۹.

بیان حق و سداد امر طریق علم اعداد- ج ۱ و ۲..... ۱۳

گیرد که خداوند کسی را قرار می‌دهد که این امر توسط وی، به خاطر ضرورت این مسئله و خصوصاً در این زمان، برای همه آشکار گردد تا حجت بالغه بر همه بندگان القاء گردد).

آیا آنچه با دست خود در کتابت نوشتی را فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟! چگونه شرط بستنی اگر در حساب‌ها و (واژگون کردن کلمات) که در آن‌ها غوطه‌ور شدی، و گمان می‌کنی صحیح است، غوطه‌ور نشوم، در این صورت ادعایم باطل است. این‌گونه که شتر به آبشخور نمی‌برند!!!

۵. و اگر به روش خود در حساب پایبند هستی و از آن و به حقیقت آن یقین داری، با همان روش خودت و از همان طریق حساب اعداد نزد خودت که می‌خواهی برای مردم ثابت کنی، حساب کن: من هو احمد، یعنی: احمد چه کسی است؟ هو رسول المهدی یعنی: فرستاده مهدی است. همان طور که در کتاب خود در فصل ۳ حساب کردی (من هو محمد = هو نبی الله). و مهدی در جمع بزرگ حساب می‌شود و عدد آن (۹۰) است و به جمع کوچک تغییر پیدا می‌کند و می‌شود (۹) همان طور که در کتابت (محمد) را حساب کردی.

$$\begin{aligned} & م + ن + ه + و + ا + ح + م + د \\ ۳۷ &= ۴ + ۵ + ۵ + ۶ + ۱ + ۸ + ۴ + ۴ \\ & ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه د ي) \\ ۳۷ &= ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۶ + ۳ + (۹) \end{aligned}$$

و هم‌چنین حساب کن: (ما هو کتاب الله) یعنی: کتاب خدا چیست؟ می‌بینی که مساوی با (هو رسول المهدی) می‌باشد همان طور که در کتاب خود حساب کردی که ما هو کتاب الله، هو القرآن الکریم.

$$\begin{aligned} & م + ا + ه + و + ک + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه \\ ۳۷ &= ۴ + ۱ + ۵ + ۶ + ۲ + ۴ + ۱ + ۲ + ۱ + ۳ + ۳ + ۵ \\ & ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه د ي) \\ ۳۷ &= ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۶ + ۳ + (۹) \\ & ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ک + ر + ي + م \\ ۳۷ &= ۵ + ۶ + ۱ + ۳ + ۱ + ۲ + ۱ + ۱ + ۵ + ۱ + ۳ + ۲ + ۲ + ۱ + ۴ \end{aligned}$$

از آنچه گذشت برای شما روشن شد که احمد رسول امام مهدی و کتاب الله و قرآن کریم ناطق می باشد و آن هم به روشی که دلیلی بر مصداق بودن علم حروف در کتاب معروف خود (آغاز جنگ امریکا علیه امام مهدی (علیه السلام)) قرار دادی. تقوا پیشه کن و به سخن امیر مؤمنان (علیه السلام) در حق اهل بیت پایبند باش که فرمودند: **(و به آنها یاد ندهید چرا که از شما اعلم تر هستند).**^(۴)

و با این جواب حجت بر تو کامل شد که در کتاب خود به آن اقرار داری، که از شما اعراض و رویگردانی و عدم پاسخ گوئی قابل قبول نیست.

و برای شما جزئی از سر عدد ۳۷ را روشن می کنم.

خداوند می فرماید: ﴿فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾.^(۵)

(سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد).

و ده تا، هفت آسمان (عرش عظیم) و کرسی و عرش اعظم و سرادق عرش اعظم است. و سه تا بیت الله و شهر کمالات الهی در میان خلق و شهر علم (محمد) می باشند. هر کس از آل محمد (صلی الله علیه و آله) باشد همه ده تایی آن در حج است یعنی در بیت الله یعنی در شهر علم یعنی در منزل نبوت و معدن رسالت می باشد. برای اطلاع بیشتر و توضیح بیشتر مسئله کتاب متشابهات ج ۳ (درباره سیر اربعین، و سؤالی درباره عرش و کرسی) مراجعه کنید.

۱. عدد (۳۷) از دو عدد تشکیل می شود (۳ و ۷) و جمع آنها (۱۰) می شود که ده تایی توحید می باشد که هر کس آن را به اتمام برساند و حج بیت الله را به جای آورد و شهر علم را زیارت کند و عقل او تمام شود و از ۳۱۳ نفر گردد از اهل بیت خواهد شد و از این معنی از پدرانم (علیهم السلام) وارد شده (ایمان ده درجه است، و سلمان ده تایی آن را به اتمام رساند (سلام خدا بر سلمان باد) پس سلمان

۴- امیر مؤمنان در خطبه ای فرمودند (... شما آگاه شدید و مستحفظان از اصحاب رسول خدا آگاه شدند من و اهل بیتم از فواحش پاک هستیم و فرمودند از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید و با آنها مخالفت نکنید که جاهل می شوید و از آنان روی نگردانید که به هلاکت می رسید به آنها چیزی یاد ندهید چرا که از شما در مسائل بزرگ تر اعلم تر هستند و در کوچک ترها حکیم تر هستند). مصباغ البلاغ (مستدرک نهج البلاغه) ج ۱ ص ۱۴۲.

۵- البقرة: از آیه ۱۹۶.

(از ما اهل بیت است)^(۶) اما ما اهل بیت دهتای آن (ایمان) در حج و در بیت الله است.

۲. و عدد (۳۷) از دو عدد شکل می‌گیرد (۲۷+۱۰) و ده آن دهتای حج می‌باشد و بیست و هفتای آن علمی است که اجازه داده شد بین مردم منتشر شود همان طور که از اهل بیت به ما رسیده است. هر کس ۱۰ تای حج (دهتای ایمان) را به اتمام رساند به او این امکان داده می‌شود که ۲۷ حرف علم توحید که امام مهدی آن‌ها را منتشر می‌کند، حمل کند.^(۷)

و خداوند فرمود: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوَارِيثَ﴾.^(۸)

(می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!).

و این افراد که خداوند می‌خواهد آن‌ها را ائمه قرار دهد آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه و مهدیین هستند و هم‌چنین ۳۱۳ نفر اصحاب امام مهدی می‌باشند. و در اول سوره قصص سر آن وجود دارد و آن (طسم) می‌باشد که اگر اعداد این حرف مقطعه را با جمع بزرگ انجام بدهی نتیجه را خواهی دید.

۶- از عبد العزیز الفراطیسی نقل است که گفت: (به محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم و چند مورد را درباره امر شیعه و سخنان آن‌ها برای ایشان بازگو کردم. فرمود: ای عبدالعزیز ایمان ده درجه می‌باشد مانند نردبانی که ده پله داشته باشد و پله به پله از آن به بالا می‌روند. کسی که در پایه اول است به آن کسی که در پایه دوم است نگوید که چیزی نداری و صاحب پایه اول به صاحب پایه سوم نگوید که چیزی نداری تا به ده‌تا رسید. و فرمود: سلمان در دهی بود و ابوذر در نهمی و مقداد در هشتمی ای عبد العزیز). الخصال- شیخ صدوق ص ۴۴۸.

از امام صادق نقل شده که فرمود: (ایمان ده درجه است و مقداد در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم و سلمان در درجه دهم می‌باشد). بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۳۴۱.

از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل است که فرمودند: (سلمان از ما اهل بیت است). عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۷۰.

و شیخ صدوق از مسیب بن نخیه نقل می‌کند که به امام علی عرض شد: (از اصحاب محمد برای ما بگو از ابوذر غفاری به ما بگو: علم را یاد گرفت و آن را درون سینه باقی گذاشت. عرض کردند: در باره حدیقه چطور؟ فرمود: اسامی منافقین را یاد گرفت: عمار ابن یاسر چه؟ فرمود: مؤمنی است که ایمان سراپای او فرا گرفت، فراموش می‌کند اگر ذکری را یاد کرد. پرسیدند: عبد الله بن مسعود چگونه است؟ قرآن را خواند و در نزد وی نازل شد. گفتند: در باره سلمان فارسی بگو. فرمود: علم اول و آخر را درک کرد و او اقیانوس است که خشک نمی‌شود و او از ما اهل بیت است). الأمالی ص ۳۲۴.

۷- صفار در مختصر بصائر الدرجات از موسی بن عمر بن یزید الصیقل از الحسن بن محبوب از صالح فرزند حمزه از ابان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که فرمود: (علم ۲۷ حرف می‌باشد. همه علمی که انبیاء آوردند تنها ۲ حرف بود و مردم تا به امروز غیر از این دو حرف چیزی نمی‌دانند. اگر قائم قیام کرد ۲۵ حرف را استخراج کرد و بین مردم منتشر کرد و ۲ حرف را به آن‌ها ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف را منتشر کند). ص ۱۱۷.

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م}$$

$$۱۰۹ = ۴۰ + ۶۰ + ۹$$

که نتیجه آن می‌شود (۱۰۰+۹) اگر آن را به جمع کوچک تبدیل کنی می‌شود (۱+۹) و نتیجه می‌شود (۱۰) که ۱۰ تایی حج که متعلق به ائمه (۳۱۳) یاد شد، در آیه می‌باشد. و ده‌تای توحید است هر کس حج بیت الله را به جای آورد، و با آن آراسته شد و عقلش تمام شد و به یقین رسید و برای وی امور ثابت گردید و خدای سبحان (هو) را یک‌تا شمرد. و اگر حروف (هو) را جمع بزنی خواهی دید که:

$$\text{ه} + \text{و}$$

$$۱۱ = ۶ + ۵$$

که (۱۰+۱) و ده را شناختی، که ده‌تای حج و ایمان می‌باشد و یک‌تا خدای سبحان است هر کس با ۱۰ تا آراسته شد یقین پیدا کرده و خداوند را یک‌تا دانست.

و با اختصار برای شما روشن ساختم که این عدد (۳۷)، ده‌تای حج و توحید است و همچنین عدد (۲۷) حروف علم توحید هستند. هر کس حج را به جا آورد و با ده‌تای ایمان آراسته شد به او امکان این داده می‌شود که (۲۷) حرف علم را شناخته و حمل کرده که وقت انتشار آن‌ها میان مردم رسیده است و این همان سری است که هیچ کس یاری تحمل آن را جز پیامبر مرسل یا فرشته مقرب یا مؤمنی که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده ندارد و در نتیجه به یقین رسیده و خدای سبحان (هو) را به یگانگی یاد می‌کند.

و موارد بیشتری را به شما می‌گویم. اگر (طسم) را با جمع کوچک، حساب کنید خواهی دید که:

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م}$$

$$۱۹ = ۴ + ۶ + ۹$$

و عدد حروف بسمله (۱۹) حرف است و بسمله آیه توحید است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾^(۹) (و بر دل‌هایشان پوشش‌هایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوش‌هایشان سنگینی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آن‌ها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند).

یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم همان گونه که در روایات اهل بیت آمده است.^(۱۰) و دانستی که (طسم) به اهل توحید اشاره نمود که همان ۳۱۳ نفر می باشند به همین خاطر عدد حروف آیه توحید (بسم الله الرحمن الرحيم) با عدد آیه موحدین (طسم) و آیه جهنم مشرکان با هم مساوی است به همین خاطر عدد آیه موحدان قرار داد.

خداوند می فرماید: ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾.^(۱۱)

(دوازده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده اند! * مأموران دوزخ را فقط فرشتگان عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقیقت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیمار دلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!).

و موحدان اصحاب یمین در سوره مدثر هستند که بدون حساب وارد بهشت می شوند و آنها اصحاب و یاران یمانی وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می باشند.

۱۰- از هارون از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: (بسم الله الرحمن الرحيم را پنهان کردند به خدا بهترین اسمها را پنهان کردند. اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد منزل شد و قریش بر او جمع شدند بسم الله الرحمن الرحيم را با صدای بلند می خواند و قریش از پیش او فرار می کردند و خداوند آیه را نازل کرد: (و چون پروردگارت را در قرآن یاد کنی آنها روی می گردانند و گریزان می شوند)).

-ابی حمزه گفت که علی ابن حسین (علیه السلام) فرمود: (ای ثمالی اگر نماز بر پا شد شیطان به قرین امام می آید و می گوید آیا پروردگار خود را یاد کرد؟ اگر بگوید بله، می رود و اگر گفت خیر بر کتفهای او سوار می شود و امام قورم می ماند تا دور شوند. عرض کردم: فدایت شوم آیا قرآن نمی خوانند؟ فرمود: بله، اما نه آن گونه که تصور می کنی ای ثمالی، بلکه بسم الله الرحمن الرحيم را با صدای بلند خواندن است). وسائل الشیعه (آل البیت) ج ۶ ص ۷۵.

خداوند می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾^(۱۲) (هر نفس در گروه عملی است که انجام داده است * مگر اهل یمن).

بیان اخیر یمانی را برای روشن‌تر شدن مسئله بخوانید و برای این که یقین شما بیشتر شود- اگر به دنبال حق هستی و از جمله کسانی باشی که به آن‌ها کتاب داده شده و به کتاب ایمان آوردند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا﴾.

(و عدد آن‌ها را جز برای فتنه و محنت کفار قرار ندادیم. تا این که اهل کتاب هم یقین کنند و ایمان مؤمنان افزایش پیدا کند).

با من حساب کن: کلمه (وصی)، (الیمانی)، (من هو الیمانی)، (هو وصی)، (هو وصی المهدي)، (اصحاب الیمین).

ولی قبل از این که حساب را آغاز کنیم. به آن چه در کتاب خود نوشتی مراجعه می‌کنیم. در فصل دوم شما گفتی: (قرن ششم، پیش‌گویی سی و سوم): (در نهایت دست او به آلوس خونین می‌رسد، و از حفظ خود در اقیانوس عاجز خواهد بود و از سپاه بین‌النهرین می‌ترسد و شخص سیاه پوست او را از آن چه انجام داده، پشیمان می‌کند).

برگشتی و در کتابت گفتی: (این از عجیب‌ترین پیش‌گویی‌هایی است که نوستر آداموس آن را ذکر کرده است که وی امام زمان را بدون خطاء یاد کرده است و مترجمان پیش‌گویی‌ها در معنی وارد شده در پیش‌گویی در حیرت ماندند و بیشتر مترجمان اسم را همان طور که آمده ذکر کرده‌اند- یعنی معنی آن را نگفته‌اند- بلکه بعضی از آنان آن را همان طور که در ترجمه انگلیسی آمده، حفظ کردند. اما در اصل متن فرانسوی وجود دارد. و در این جا مترجم کلمه (Alus) که در پیش‌گویی یاد شد را (الالوس) ترجمه کرده (و ال تعریف عربی به آن افزوده است) و معنی عربی آن را ترجمه نکرده است. و حل معمای آن را به تاریخ واگذار کرده تا آن واقعه رخ دهد. و من از آن چه منظور نوستر آداموس می‌باشد را کشف می‌کنم. نوستر آداموس در این جا و طبق روال وی از جناس تصحیفی (تغییر لفظ با حذف) یا ترخیم استفاده کرده است، هنگامی که مسئله به اسامی اشخاص یا القاب آن‌ها بر می‌گردد و اقدام به حذف (I) از انتهای اسم می‌کند چون اگر ما این حرف (I) را اضافه کنیم، کلمه

(Alusi) (الوصی) خواهد شد و معنی واضح خواهد بود. از آن جایی که ما می‌دانیم لقب اوصیاء بر دوازده امام از اهل بیت اطلاق می‌شود و امام مهدی (علیه السلام) یکی از اوصیاء است، پس ممکن است که به وی (الوصی) اطلاق شود. و آنچه شیعه اعتقاد دارند، نوستر آداموس با آن موافق است.

و نوستر آداموس در این‌جا شخص معینی را توصیف می‌کند که فرمانده لشکر است یا رئیس یک دولت است که سعی دارد امام مهدی (علیه السلام) را بکشد، یا بر نیروهای وی غلبه کند و از قدرت نظامی (سپاه مهدی (علیه السلام)) که در بین النهرین (عراق) موجود است، می‌ترسد ولی مردمی از نیروهای امام مهدی (علیه السلام) (که از روی به سیاه پوست یاده شد. که منظور (شیعی) است، چون لباس سیاه به شیعه اشاره می‌کند. یا مردی عرب مسلمان از آفریقا (سیاه) باشد که بر او و لشکر وی غلبه می‌کند که در اقیانوس باشد (شاید در یکی از ناوهای جنگی یا ناوهای هواپیمایی بر او غلبه کند و آن‌ها را نابود سازد)).

و قبل از این که حساب کردن را شروع کنم، توضیحی در مورد سخن قبلی شما دارم، و آن این که وصی مذکور در پیش‌گویی نوستر آداموس امام مهدی (علیه السلام) نمی‌باشد بلکه وی وصی امام مهدی (علیه السلام) و اول مهدیین دوازده‌گانه از اوصیای امام مهدی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و غلامی که کارهای ایشان را انجام می‌دهد است،^(۱۳) وی یمانی آل محمد موعود که دعوت به حق می‌کند و هر کس با وی مخالفت کند از اهل جهنم خواهد بود، همان‌گونه که در روایات اهل بیت آمده است.^(۱۴)

و در وصیت رسول خدا: (از امام صادق (علیه السلام) از پدرانش از امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: (رسول خدا در شب وفاتش به علی فرمودند: ای ابا حسن کاغذ و دواتی برایم بیاور و رسول خدا وصیت خود را املاء کرد تا به این‌جا رسید و فرمود: ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود. ای علی تو اولین نفر از دوازده امام هستی و حدیث را آن‌جا ادامه داد که فرمود:

۱۳- از مفضل بن عمر روایت شده که: برای صاحب این امر دو غیبت است: یکی آن قدر طولانی خواهد شد تا این که بعضی می‌گویند، امام مرده است و عده‌ای می‌گویند: کشته شده است و برخی می‌گویند: آمده و رفته است، تا آن‌جا که از اصحاب و یارانش عده بسیار کمی می‌مانند و هیچ کسی از اولاد حضرت و دیگران از مکان ایشان مطلع نخواهند بود به جز غلامی که کارهایش را انجام می‌دهد).

۱۴- امام باقر می‌فرماید: (در میان پرچم‌ها، پرچی هدایت‌گرتز از پرچم یمانی نیست، آن پرچم هدایت است چون که شما را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. اگر یمانی خروج کرد فروختن سلاح بر مردم و مسلمانان حرام می‌شود. و اگر خروج کرد به سوی او بشتابید چون پرچم وی پرچم هدایت است و هیچ مسلمانی حق مخالفت با وی ندارد. هر کس این کار را انجام دهد از اهل جهنم است. چون وی دعوت به حق و طریق مستقیم می‌نماید). غیبة النعمانی ص ۲۶۴.

و امام حسن عسگری (وصیت) را به م ح م د که حافظ شریعت آل محمد است بسپارد. این «دوازده امام هستند بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود، پس وقتی زمان وفاتش برسد وصایت و جانشینی من را به فرزندش که اولین و برترین مقربین است تسلیم نماید و او سه نام دارد، یک نام مانند نام من است و دیگری مثل نام پدر من است و آن عبدالله و احمد و سومین نام وی مهدی خواهد بود او اولین مؤمنان است).^(۱۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: (از ما بعد از قائم دوازده مهدی از نسل حسین خواهند بود).^(۱۶)

امام صادق علیه السلام می فرماید: (از ما بعد از قائم یازده مهدی از نسل حسین خواهند بود).^(۱۷)

در این روایت: قائم، مهدی اول و امام مهدی نیست چون بعد از ائمه ۱۲ مهدی خواهد بود و امام باقر علیه السلام در وصف مهدی اول فرمود: ... شخصی سرخ و سفید دارای چشمانی گود و فرو رفته، و ابروانی پُر پشت و برجسته و شانه‌ای پهن و بر سرش خزاز (پوسته‌ای که از سر فرو می‌ریزد) و بر صورتش اثری است، خداوند موسی علیه السلام را رحمت کند (کنایه از داشتن بدن قوی و تنومند).^(۱۸) در خبر طولانی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمودند: (و اول آنها از بصره و آخر آنها از ابدال می‌باشند).^(۱۹)

و امام صادق علیه السلام در خبری اصحاب قائم را ذکر می‌کند و می‌فرماید: (... و از بصره... احمد...).^(۲۰)

امام باقر علیه السلام می فرماید: (دارای دو اسم است - یعنی قائم - اسمی که مخفی می‌ماند و اسمی که علنی می‌شود اما اسمی که مخفی می‌ماند احمد است و اسمی که علنی می‌شود محمد).^(۲۱)

و احمد اسم مهدی اول و محمد اسم امام مهدی همان‌طور که در وصیت رسول خدا آمده است، می‌باشند. امام باقر علیه السلام می فرماید: (برای خداوند گنجی در طالقان است که نه از طلا و نه از نقره

۱۵- بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۷ و الغیبة للطوسی ص ۱۵۰، غایة المرام ج ۲ ص ۲۴۱.

۱۶- غیبة الطوسی ص ۱۵۰ - غایة المرام ج ۲ ص ۲۴۱ - بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸.

۱۷- غیبة الطوسی ص ۳۸۵ - البرهان ج ۳ ص ۳۱۰ - بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸.

۱۸- غیبة نعمانی ص ۳۰۷ - بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۴۰ - معجم احادیث امام المهدی ج ۳ ص ۲۳۷.

۱۹- بشارة الإسلام ص ۱۴۸ - مجمع النورین ص ۳۳۱ - الزام الناصب ج ۲ ص ۱۷۴.

۲۰- بشارة الإسلام ص ۱۸۱.

۲۱- کمال الدین ص ۶۵۳، جامع احادیث الشيعة ج ۱۴ ص ۵۶۸ - معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۴۱.

بیان حق و سداد امر طریق علم اعداد- ج ۱ و ۲..... ۲۱

است. دوازده هزار نفر در خراسان‌اند که شعارشان **احمد احمد** است، آنان را جوانی از بنی هاشم در حالی که سوار بر قاطر سفید است هدایت و رهبری می‌کند و دارای دستاری قرمز است گویا می‌بینم که از رود فرات هم می‌گذرد، اگر این خبر را شنیدید به سوی او بشتابید حتی اگر بر یخ سینه خیز بروید.^(۲۲)

و **احمد** اسم مهدی اول و وصی امام مهدی (علیه السلام) و اول مؤمنان به امام مهدی (علیه السلام) در آغاز ظهورش است و همچنین فرستاده‌ای از طرف امام مهدی (علیه السلام) برای تمامی مردم است. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین (علیه السلام)) که از طرف امام مهدی (علیه السلام) وارد شده، آمده:

(خداوندا از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز... آن که به انتقام خون پاکش در رجعت ظهور نصرت پایدار خواهد یافت و امامان و پیشوایان دین از نسل اوست و شفای هر بیماری در تربت او و اوصیاء از عترت وی پس از قائم آنها و غیبتش تا آن که به خون‌خواهی او برخیزد و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند درود خدا بر آنان تا روز و شب در جهان بر قرار است بار الها به حق آنها به درگاه تو توسل می‌جویم).^(۲۳)

اگر در این دعاء تدبیر کنی به یقین می‌رسی که مراد از اوصیاء، اوصیای امام مهدی (علیه السلام) است و از آنها، پدرشان، اول مهدیین یاد شده در روایات است و همان کسی که پیش‌گویی نوستر آداموس یهودی او را ذکر کرده است تا حجتی بالغه بر یهود و مسیحیان و جهان غرب باشد که به این پیش‌گویی ایمان دارند، چرا که در اتفاقات زیادی در گذشته صادق بوده است به علت این که از زبان یک یهودی فرانسوی غربی و از آنها، گفته شده است.

و اکنون بعد از این که برای شما روشن شد که وصی مذکور در پیش‌گویی (آداموس) وصی امام مهدی (علیه السلام) به طرف حساب می‌رویم.

اولاً (الیمانی هو الوصی).

کلمه (وصی)

۱- و ص ی

۲۲- منتخب الأنوار المضمیة ص ۳۴۳.

۲۳- مصباح المتجهد ص ۸۲۶- مصباح الکفعمی ص ۵۴۳، مختصر بصائر الدرجات ص ۳۵ - مفاتیح الجنان ص ۲۹۹.

می شود $۱۰۶ = ۱۰ + ۹۰ + ۶$ به وسیله جمع بزرگ و به جمع کوچک تغییر پیدا می کند و
 می شود $(۱۰۰+۶) = (۱+۶) = (۷)$. که در جمع کوچک می شود

۲- و ص ی

$۱۶ = ۱ + ۹ + ۶$. به وسیله جمع کوچک

کلمه (الیمانی)

ا ل ی م ا ن ی

$۱۴۲ = ۱۰ + ۵۰ + ۱ + ۴۰ + ۱۰ + ۳۰ + ۱$

با جمع بزرگ است و به جمع کوچک تبدیل می شود $(۱۰۰ + ۴۰ + ۲)$ که می شود $(۱ + ۴ + ۲) =$

.۷

ا ل ی م ا ن ی

$۱۶ = ۱ + ۵ + ۱ + ۴ + ۱ + ۳ + ۱$ جمع کوچک

و از حساب سابق برای شما روشن شد که کلمه:

(وصی) = (الیمانی) = (۷) بعد از این که با جمع بزرگ حساب کردیم و به جمع کوچک تغییر دادیم.

(وصی) = (الیمانی) = ۱۶ بعد از حساب آن ها به وسیله جمع کوچک.

دوم این که: هنگام سؤال کردن در مورد شخص یمانی می گوئیم: (من هو الیمانی) یعنی: یمانی

کیست؟ اگر یمانی وصی امام مهدی علیه السلام می باشد (یعنی مهدی اول یاد شده در وصیت رسول خدا)،

جواب می شود (هو وصی المهدي)، یعنی: او وصی مهدی است؛ یا (هو وصی) و عدد مهدی ۹۰

می باشد.

ا ل م ه د ی

$۹۰ = ۱۰ + ۴ + ۵ + ۴۰ + ۳۰ + ۱$

که با جمع بزرگ است و به جمع کوچک تبدیل می شود که می شود $۹۰ = ۹$

و الان حساب می کنیم:

(من هو الیمانی)

م ن ه و + (ا ل ی م ا ن ی)

$$۲۷ = (۷) + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

(هو وصي المهدي)

هـ و + (و ص ي) + (ا ل م هـ د ي)

$$۲۷ = (۹) + (۷) + ۶ + ۵$$

(هو وصي)

هـ و + (و ص ي)

$$۲۷ = (۱۶) + ۶ + ۵$$

برای شما واضح شد که عدد: (من هو الیمانی) = (هو وصي المهدي) = (هو وصي) است.

و عدد (هو الیمانی) را به وسیله جمع کوچک بشمار خواهی دید که (۲۷) است که ۲۷ حرف از

علمی است که قائم بین مردم منتشر می کند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: (علم ۲۷ حرف است، هر آنچه پیامبران آوردند

تنها ۲ حرف آن بود، مردم تا به امروز جز این دو حرف چیزی نمی دانند، اگر قائم ما قیام کرد ۲۵

حرف را خارج می کند و بین مردم منتشر کرده تا ۲۷ حرف علم را منتشر کند).^(۲۴)

هـ و ا ل ي م ا ن ي

$$۲۷ = ۱ + ۵ + ۱ + ۴ + ۱ + ۳ + ۱ + ۶ + ۵$$

عدد (اصحاب یمین) را در آیه حساب کن.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ﴾^(۲۵) (هر نفس در گروه عملی است که انجام

داده است * مگر اهل یمین).

و (الیمین) به وسیله جمع بزرگ حساب می شود و اگر تبدیل به جمع کوچک شود نتیجه این

خواهد بود.

ا ص ح ا ب + (ا ل ي م ي ن)

$$۲۷ = (۱ + ۴ + ۱) + ۲ + ۱ + ۸ + ۹ + ۱$$

و دانستی که عدد (۲۷) بیان گر ۲۷ حرف از علم است (معرف خدا و توحید او) که امام

۲۴ - مختصر بصائر الدرجات ص ۱۱۷، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲۵ - المدثر: ۳۸-۳۹.

مهدی علیه السلام بین مردم منتشر می‌کند.

و از حساب قبلی خواهی دانست که یمانی وصی امام مهدی و او و مهدی اول ظرف ۲۷ حرف از علم است. بنابر این محل استقبال فیض از امام مهدی می‌باشد و آن را به اصحابش فرو می‌ریزد بنابر این یمانی نسبت به امام مهدی به مشابه (ن) و نقطه نون می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسْتَبْصِرْ وَيَصِيرُونَ * بَأْيَيْكُمْ الْمَقْتُولُ * إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۲۶﴾

(ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند * که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، * و برای تو پاداشی عظیم و همیشگی است! * و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری! * و به زودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند * که کدام یک از شما مجنونند! * پروردگارت بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می‌شناسد!).

و از حساب سابق خواهی فهمید که اصحاب یمین که اصحاب یمانی هستند محل وقوع و نزول ۲۷ حرف از حروف علم‌اند، پس آن‌ها محل استقبال فیض نازل از یمانی وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام به تمام مردم است، آن‌ها علمی را به مردم انتقال می‌دهند که همان ۳۱۳ نفر هستند. برادرم بیشتر به شما بگویم:

دلائل دعوت بسیارند، و با آن‌چه انبیاء و فرستادگان و محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام آورده‌اند، آدم و یکی از برادران انصار امام مهدی به نام استاد ضیاء الزیدی ده‌ها دلیل در کتاب (النور المبین) به تصنیف در آورده و کتاب چاپ شده و می‌توانی از آن آگاه شوی. و هم‌چنین کتاب رسالت آشکار ج ۱ نوشته شیخ ناظم عقیلی (حفظه الله) می‌باشد و از جمله دلائل دعوت:

۱. روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام که اشاره به اسم، شهر و صفات می‌کنند. (بعضی از این روایات یاد شده. برای آگاهی بیشتر به انتشارات انصار امام مهدی مراجعه کنید).
۲. دانش به محکم و متشابه و راه‌های اسم آن‌ها که از خصوصیات و اسرار ائمه علیهم السلام می‌باشد.
۳. مباحله/ قسم برائت/ دعوت به حق و... و... و...
۴. مکاشفه در بیداری و رؤیاهای صادقه در خواب که تعداد زیادی از مردم دیدند (رؤیای حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه علیهم السلام) و تأکید بر حقانیت این دعوت کرده و در

خواب دیدن آن‌ها ثابت شده است و بنابر روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرآن حق می‌باشند. (۲۷)

۲۷- اما قرآن، رؤیاهای زیادی را ذکر می‌کند. خداوند می‌فرماید: (زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضع‌شان کاملاً آگاه است) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ هم‌چنین شجره ملعونه [= درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آن‌ها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آن‌ها نمی‌افزاید!). الإسراء: ۶۰.

و خداوند می‌فرماید: خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ به طور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجد الحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است). الفتح: ۲۷.

و خداوند از پیامبر خود ابراهیم سخن می‌گوید: (هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!). الصافات: ۱۰۲.

پس خداوند ابراهیم را مدح می‌کند چرا که رؤیا را تصدیق فرمود: (آن رؤیا را تحقق بخشیدی). الصافات: ۱۰۵.

هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می‌کنند!). یوسف: ۴.

(ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم!). القصص: ۷.

همان‌طور که پادشاه مصر آن رؤیا را دید که پیامبر خدا یوسف آن را حقیقت تلقی کرد و بر اساس آن اقتصاد مصر را بنا نهاد: (پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو فربه را که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند؛ و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده؛ (که خشکیده‌ها بر سبزه‌ها پیچیدند؛ و آن‌ها را از بین بردند) ای جمعیت اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می‌کنید!). یوسف: ۴۳.

و اما آنچه از محمد و آل محمد به ما رسیده خیلی زیاد است که بعضی را نقل می‌کنم: از رسول الله روایت شده که فرمودند: (پس از من نبوتی نخواهد بود مگر مبشرات. پرسیدند: ای رسول خدا، مبشرات چه هستند؟ فرمودند: رؤیای صالحه). الدر المنثور ج ۳ ص ۳۱۲-بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۲ و هم‌چنین در همان جزء ص ۱۷۷ با این لفظ یاد شده است: (از نبوت چیزی نمی‌ماند مگر مبشرات. پرسیدند: مبشرات چیست؟... الخ. و در منبع زیر با الفاظ گوناگون یاد شده است.

کتاب الخموطاً: ج ۲ ص ۹۵۷ / مسند احمد ج ۵ ص ۴۵۴ و ج ۶ ص ۱۲۹ / صحیح البخاری ج ۸ ص ۶۹ / مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۷۳ / عمدة القاری ج ۲۴ ص ۱۳۴ / المعجم الكبير ج ۳ ص ۱۹۷ / و منابع دیگر...

از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده که فرمودند: (آگاه باشید که از مبشرات نبوت چیزی باقی نمی‌ماند مگر رؤیای صالحه که مسلمان آن را می‌بیند یا برای او دیده می‌شود). بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۱۹۲ / صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۸ / سنن النسائی ج ۲ ص ۲۱۷ / صیغ ابن حبان ج ۱۳ ص ۴۱۱ / کنز العمال ج ۱۵ ص ۳۶۷.

علاوه بر آنچه شما مقرر کردی و خود را ملزم دانستی، از پیش‌گویی نستر آداموس در کتاب شما فصل دوم که نقل کردی: (قرن سوم - پیش‌گویی ۹۴ به مدت ۵۰۰ سال دیگر به آن توجه می‌کنند که زینت زمان آنهاست و ناگهان وحی عظیمی مبعوث می‌شود و مردم آن زمان را مسرور می‌کند). این وحی عظیم به جز رؤیا که تعدادی از مردم می‌بینند که حق و صاحب حق را معلوم کند چه چیزی می‌تواند باشد؟

برادرم با دقت بخوان و یافتن حقیقت را مهم‌ترین هدف خود قرار ده و با دقت جستجو کن و با خود منصف باش و خودت را از آتش جهنم نجات ده. از خداوند برای شما طلب هدایت می‌کنم، اگر خواستار آن باشی و حق را حقیقتاً به تو نشان دهد و به تو پیروی از آن را توفیق دهد و باطل را باطل به تو نشان دهد و توفیق اجتناب از آن را به تو توفیق دهد.

و الحمد لله وحده.

احمد الحسن

وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام)

جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ. ق

خرداد ماه ۱۳۸۴ هـ. ش

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده که فرمود: (پدرم از پدر بزرگم از پدرش نقل می‌کند که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (رؤیای صادقه جزئی از ۷۰ جزء نبوت است). عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۲۸۸ - من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۸۵ - بحار الأنوار ج ۴۹ ص ۲۸۳.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: (رسول خدا هنگام صبح به اصحابش می‌فرمود: (مبشراتی نیست؟ یعنی رؤیای صادقه). کافی ج ۸ ص ۹۰ / بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۷۷.

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد

(جزء دوم)

پاسخ نویسنده، ماجد المهدی

به جواب سید احمد الحسن علیه السلام که در جزء اول این کتاب منتشر شد

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس مخصوص خداست و درود بر سرور ما محمد و آل و خاندان مطهرش.

سید احمد الحسنی سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از جوابی که یمانی شما به نامه‌ای که برای شما فرستادم سپاس گزارم.

در ابتدا دوست دارم روشن کنم که گفته‌ام (سخنی که نه نفعی دارد و نه ضرری) نسبت به آنچه در سایت شما برای اثبات دعوت شما است، می‌باشد و نه نسبت به کتاب‌ها و مؤلفات بلکه همه مفید و خوب هستند و اما به هر حال ثابت نمی‌کند که شما وصی امام مهدی علیه السلام باشید و شما در جواب نامه من اقدام به آوردن احادیث و آیات کریمه قرآنی و تفسیر آن‌ها کردید که منطبق بر شما است. و این مسئله را مردم زیادی قبل از شما انجام دادند و چه کسی می‌گوید که سوره فاتحه همه چیزی که ذکر کردی در آن نیست، بلکه در آن اسم من و اسم شما و اسم صدام حسین و جورج بوش و امور بیشتر از آن‌ها وجود دارد. و شما به سؤالی که طرح نمودم، جواب ندادید و اقدام به نشان دادن آنچه از علم حروف می‌دانید، کردید و باعث تعجب است که شما برای اثبات وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام بودن خود و یمانی یا خود مهدی، به علم حروف استناد کردید. و لازم بود که خود را در ابتدا از طریق جواب سؤالم ثابت کنید که وصی امام مهدی علیه السلام هستید سپس آنچه را می‌گویید با علم حروف مستند کنی. سپس شما فرمودید که جواب: (من هو احمد... هو رسول المهدي) خواهد بود پس نظر شما درباره (من هو سعید) و (من هو طاهر) و (من هو وعد) ده‌ها اسم که مجموع حروف آن‌ها (۱۷) می‌شود آیا همه آن‌ها فرستادگان امام مهدی علیه السلام هستند.

چقدر در دنیا انسان با نام احمد وجود دارد، چه دلیلی دارد که مقصود و منظور شما هستید؟ بعد، چگونه ممکن است که جواب ما هو کتاب الله یعنی: کتاب خدا چیست؟، (هو رسول المهدي) باشد!!! به خدا عجیب‌ترین چیزی است که تاکنون شنیدم!!! آیا شما کتاب خدا هستید!!! آیا شما قرآن کریم هستید؟

خیلی خوب اگر شما مدعی هستید که قرآن کریم هستید و شما آگاه‌ترین شخص زمان خود نسبت به قرآن هستید!!! به سؤال جواب دهید که (در سوره فاتحه دو اسم وجود دارند که پنهان هستند و یکی بر عکس دیگری است. و این دو اسم به غیر از چیزی که با آن شناخته می‌شوند، نوشته می‌شوند. این دو اسم چه هستند و چگونه استخراج می‌شوند) که این مسئله مهم است. هر چند به طور یقین می‌دانم سؤال را جواب نمی‌دهید. آیا معتقد هستید که خداوند مرا نسبت به شما به علت آشنا بودن با رازی از رازهای قرآن کریم، برتری داده و شما را که کتاب او (خدا) و رسول امام مهدی علیه السلام هستید، آگاه نکرده است!

خواهش می‌کنم که نسبت به خدا و مردم ساده‌ای که از شما پیروی می‌کنند، تقوی پیشه کنید چون که در روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرید. و از آن‌چه به مذهب از قبیل بی‌احترامی و بد نام کردن رسیده است ما را کفایت می‌کند و شک ندارم که در آینده‌ای نه چندان دور ادعای مهدویت می‌کنی.

و سپاس خدای جهانیان که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خدا هدایت نمی‌کرد، هدایت نمی‌شویم و درود خداوند بر سرور ما محمد و خاندان پاکش باد.

ماجد المهدی

پاسخ فومری انصار امام مهدی علیه السلام به جواب قبلی ماجد المهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما انصار امام مهدی علیه السلام که ما را با صفت ساده لوح مورد خطاب قرار دادی به شما می گوئیم: جواب شما از طرف فرستاده و وصی امام مهدی علیه السلام و قرآن ناطق حق **احمد الحسن** خواهد رسید. ولی، او را به کر و لال و کوران و کسانی که نمی فهمند کاری نیست و آرزو می کنیم که از جمله آن ها نباشی ولی شما به عدم اعتراف خود که امام مهدی علیه السلام رسولی می فرستد، جواب ندادید و شما در کتاب خود نوشته اید که امام مهدی علیه السلام، فرستاده ای می فرستد، و ادعاء کردی که در علم حروف مطالبی می نویسی و آنچه را که نمی دانی درباره آن می گویی که هیچ بهایی ندارد و شما به اشتباه حرفی را به **احمد الحسن** اضافه می کنی و می گویی الحسنی. آری، ایشان حسینی مهدوی قائم به حق است، شما حتی صحیح نوشتن آن را نمی دانی پس چگونه قضاوت می کنی؟

و اگر سید علیه السلام جواب شما را بدهد ایمان می آوری؟

سید از میان سخنان جواب شما را داده که قوی ترین و شدیدترین ابزار شکست است که راه فراری از آن نیست.

این جواب انصاری است که آن ها را ساده لوحان خطاب کردی به خدا قسم شما ساده لوح هستی و همان طور که امثال شما، پیروان پیامبران را اراذل و اوباش مورد خطاب قرار دادند. از میان ما کسانی هستند که به علوم دینی و دنیا آگاه هستند و ما ساده هستیم چون در زمین مجهول و در آسمان همان طور که اهل بیت علیهم السلام فرمودند، معروف هستیم ولی آن که به خدا متعلق است ما را مجهول نمی داند.

انصار امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام

و خداوند دینی مرا که مورد رضای اوست برای وی قرار دهند.

جواب ماجد المهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

و سپاس خدای جهانیان و درود بر سرور، محمد و خاندان پاکش.

آقایان انصار امام مهدی - سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از جواب شما به نامه من سپاس گزارم و از اشتباهی که نوشتم (سید احمد الحسنی) و درست آن

(سید احمد الحسن) می باشد - معذرت می خواهم.

بله، و از ساده ترین هستم و جاهل ترین فرد می باشم و علمی ندارم مگر همان گونه که خداوند

می فرماید: (و از علم به جز اندکی، به شما داده نشده است) اما اگر از کران و کوران باشم این مسئله

را هنگامی که جواب سید احمد الحسن دریافت می کنم می خواهم بدانم تا برای شما و من واضح شود

که ایشان حق است.

ماجد المهدی

Almahdion2022@yahoo.com

۲۳ / ۱ج / ۱۴۲۶ هـ.ق.

۹ / تیر ماه / ۱۳۸۴ هـ.ش

جواب سید احمد الحسن علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و درود بر ما و بر بندگان صالح خدا.

نه برای امر خدا تعقل می کنید و نه از اولیای او حکمت بالغه قبول می کنید پس هشدار دادن چه فایده‌ای دارد.

۱. شما می گوئی که دلایل وارده که در سایت در مجموعه‌ای از کتب-از جمله- (رسالت آشکار) آمده است، هیچ ارزشی ندارند.

الف). صدها رؤیای صادق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام که مؤمنان دیدند که فرمودند: سید احمد الحسن حق است و غیر از ایشان باطل.

ب). شناختن محکم و متشابه قرآن و علم و حکمت.

ج). مکاشفه در بیداری نزد مؤمنان و دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام.

د). وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آن با اسم و صفت مرا ذکر کرده است.

هـ). روایات اهل بیت علیهم السلام که مرا در آن‌ها ذکر نمودند.

و). استخاره به قرآن کریم. و خداوند هر که از او نصیحت بخواهد، فریب نمی دهد.

ز). دعوت به حق و راه مستقیم و اقرار به حاکمیت خدا در مقابل دعوت همه- و از جمله علمای شیعه امروزی- به باطل و گمراهی و مخالفت حاکمیت خدا و اقرار به حاکمیت مردم و فکر دموکراسی و انتخابات.

ح). خیرهای غیبی و معجزات.

ط). دعوت از علماء برای مناظره و هم‌چنین اهل کتاب با کتاب خود، یعنی اهل قرآن با قرآن و اهل تورات با تورات‌شان و اهل انجیل با انجیل‌شان مناظره می کنم.

ی). دعوت به مباحله.

ک). دعوت به قسم براءت.

ل). دعوت از بزرگان علمای شیعه برای طلب معجزه... و... و... آیا همه این موارد مشکلی را

حل نمی کند و ارزشی ندارند. بنابر این شما نه به پیامبر صلی الله علیه و آله و نه به وصی ایمان نداری و نزد شما

رسالت‌های آسمانی ثابت نشده است. بلکه دلایل انبیاء و فرستادگان و به خصوص ائمه علیهم السلام هیچ ارزشی نزد تو ندارند چون دلایل من مانند ایشان است و از طریق آنها برای اثبات دعوت آنها تجاوز نمی‌کند و ائمه علیهم السلام خبر دادند که صاحب حق با وصیت و دانستن محکم و متشابه شناخته می‌شود.^(۱) و بعد از این همه انتظار دارند ظاهر شوی،... و برای آنها با دلیل روشن کنی که دلائل دعوت ارزشی ندارد و برای آنها، بی‌فایده بودن آنها را روشن کنی تا پیروی نکنند و اگر روشن نکنی برای خود صفتی را از میان اوصاف در زبان عربی پیدا کن.

۲. شما می‌گوئی: (من تنها احادیث را آوردم، با این که احادیث را با حدودهای آنها اقامه کردم و مقصود از آنها را به شکل واضح برای هر حق‌طلبی روشن ساختم. هم اکنون از شما دعوت می‌کنم که احادیث را با حدود آنها بیاورید و مقصود از آنها را بیان کرده و توضیح دهید که چگونه من اقدام به املاء کردن آنها کردم).

سپس گفتمی: (این دعوت حق از طرف دیگران هم ادعاء شده است). و من شما را به مبارزه می‌طلبم که شخصی غیر از من بیاورید که ادعاء کرد که وی مهدی اول و یمانی و وصی امام مهدی علیه السلام می‌باشد و این ادعاء را از خلال احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آورده باشد و اگر حداقل

۱ - الحرث بن المغیره می‌گوید به امام صادق عرض کردم: (صاحب این امر با چه چیزی شناخته می‌شود؟ فرمود: با سکینه و وقار و علم و وصیت). بصائر الدرجات: ص ۵۰۹ - الخصائص: ص ۲۰۰ - الإمامة والتبصرة ص ۱۳۸.
- امام صادق می‌فرماید: (... صاحب این امر با سه خصلت شناخته می‌شود که در هیچ کس نمی‌باشد. او نسبت به قبل از خدا سزاوارتر است و وصی اوست و نزد وی سلاح رسول خدا (علم) و وصیت رسول خداست). الکافی: ج ۱ ص ۴۲۸، اثبات الهداة ج ۱ ص ۸۸.

- جابر الجعفی در روایتی طولانی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: (ممکن است همه چیز برای شما مورد اشکال واقع شود مگر عهد رسول خدا و پرچم و سلاح او... و آگاه باش که به دنبال جدا شدگان از اهل بیت نباشی چون که برای محمد و آل علی پرچیست و برای بقیه پرچمها. آرام بگیر و به دنبال کسی نرو تا این که مردی از فرزندان حسین بیاید که با او عهد رسول الله است، سپس به محمد بن علی رسید و خدا هر چه بخواهد می‌کند. سپس به اینها تمسک بجو و از آنچه گفته آگاه باش اگر مردی از آنها همراه با سیصد و اندی مرد خارج شد و همراه وی پرچم رسول خدا باشد...). تفسیر العیاشی ص ۶۵ - بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۲۲.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که به ایشان عرض کردم: (فدایت شوم اگر عالمی از اهل بیت برود با چه چیزی کسی که بعد از وی می‌آید، شناخته می‌شود؟ فرمود: به هدایت و سکینه و اقرار اهل بیت به فضل او و از وی چیزی پرسیده نمی‌شود مگر جواب آن را بداند). بصائر الدرجات ص ۵۰۹ - الخصال ص ۲۰۰ با اختلاف بیشتر.

یک دلیل نیاوری مصداق این آیه خواهی بود: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (۲).

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!).

اما سخن شما که گفתי: (چه کسی می گوید که در سوره فاتحه آنچه را که ذکر کرده نیست، بلکه در آن اسم من و اسم شما و اسم صدام حسین و جورج بوش... می باشد).

نمی گویم که همه چیز به طور تفصیلی در فاتحه وجود دارد و این باطل است. فاتحه علم همه چیز را در خود دارد ولی نه به صورت تفصیلی و ظاهراً شما آنچه را که نوشتم نخواندی تا روشن شود که چگونه اسم محمد ﷺ و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) در فاتحه وجود دارند آن هم نه با محاسبه و وارونه کردن کلمات، آن گونه که شما می خواهید بلکه با دلایلی از اهل بیت (علیهم السلام).

اما اسم شما و اسم هدام (صدام) خراب کار و بوش کافر که ادعاء می کنی در سوره فاتحه موجود است این ادعاء غیر صحیح است، مگر این که تحت عنوان خاصی و معنی کلی در مورد فاتحه باشند و آن هم (المغضوب علیهم) باشد.

اما این که ادعاء کردی که سؤال کردی و جواب ندادم، این سؤال نبود بلکه عناد و لجبازی است و برای شما روشن کردم که آنچه انجام می دهید تنها وارونه کردن کلمات یا بعضی حساب های باطل و غیر صحیح است، پس چگونه از من می خواهی وارد باطل شوم تا به سؤال باطل شما جواب دهم؟! ۳. گفתי: (عجیب است که شما استناد به علم حروف می کنید...).

سبحان الله. انسان اگر خود را محترم ندانست تا این که... بشود، می بینی که از آن چه ساعتی قبل نزد وی الفت گرفته بود تعجب می کند و خود را به چپ و راست می زند تا روشن کند که از آن چه ساعتی قبل با آن الفت گرفته بود و آن را دلیل و بلکه دلیل همه ادله می دانست، تعجب می کند.

در کتاب شما با عنوان (آغاز جنگ امریکا علیه امام مهدی (علیه السلام) در فصل چهارم گفتید (اثبات علمی ریاضی دلیل ادله است) و منظورت علم حروف است. پس بدان ای آن که تعجب می کند و تعجب بر می انگیزد، تا دوباره تعجب کنی: این دعوت حق سالیان سال وجود داشته و با علم حروف

استناد نمی‌کند تا ثابت کند من وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود هستم. بلکه شما خود را ملزم به آن (علم حروف) کرده و حجت خود را در این علم نهادی و من تو را به آنچه خودت را ملزم می‌دانی، ملزم می‌کنم و اگر طالب حق باشی آنچه در جواب نامه قبل گفتم برایت کافی بود. اما این که گفتمی من ادعاء کردم که امام مهدی (علیه السلام) هستم بهتانی واضح می‌باشد و مخالف دهها بیان است که از طرف من صادر شده است. که در این بیانات می‌گویم من از نسل امام مهدی (علیه السلام) و وصی او هستم و من مهدی اول از فرزندان امام مهدی (محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام)) جاتم فدای او باد، هستم. این چه مغالطه‌ای است و چرا تهمت می‌زنید و سخن دروغ می‌گویید؟

۴. پس گفتید: (برای شما واجب است که با جواب به سؤال من ثابت کنید که وصی امام هستید)

و در جواب قبلی در مورد چهارم، جواب شما را دادم و بطلان آنچه ادعا می‌کنی را روشن ساختم و شما راه‌های باطل زیادی را به کار می‌بندید و نتایج پیچیده خواهد بود و هیچ حجتی ندارید و این امر باطل در کتاب شما و افکاری که در سر شما است وجود دارد. و من (پناه می‌برم از منیت) وقت زیادی برای روشن کردن در هم بودن مطالب موجود در کتاب شما ندارم که آن همه به علت جهاد کردن علیه نیروهای آمریکایی کافر و پیروان فاجر آنها که بلاد مسلمین را به نابودی کشاندند ولی برای شما این امکان وجود دارد که با برادران انصار در ارتباط باشید تا یکی از آنها موارد باطل و متناقض موجود در کتاب را برای شما روشن کند.

آن‌گونه که شما خیال می‌کنی و بر اساس آن حساب‌های خود را بنا می‌نهی و نه ترتیب آیات. و در جایی ناسخ و منسوخ تقدم دارد و مدنی بر مکی و... و کسی که این ترتیب را برای مردم درست کرد عثمان بن عفان بود و چون عبدالله بن مسعود اعتراض کرد او را مورد ضرب و شتم قرار داد چرا که مصحف وی با مصحف عثمان که اقدام به سوزاندن بقیه مصاحف و از جمله مصحف ابن مسعود کرد، اختلاف داشت با این که رسول خدا ﷺ فرموده بودند: (هر کس بخواند قرآن را تازه و رسیده بخواند بر اساس قرائت ابن ام عبد یعنی عبدالله ابن مسعود بخواند).^(۳)

اما آنچه شما خیال کردید این است که این ترتیب الهی است. و بدان که مردی تُرکی که آشنایی کمی با زبان عربی دارد و در نوشتن کلمات اشتباه کرده و مسلمانان آنها را همان‌طور که هست به اجرا در آوردند، و به اشتباه کلمه سابغات را (سبغت) و صلاة را (صلوة) نوشت و این اشتباه‌ها را به

۳- شرح الأذهار: ج ۱ ص ۲۶- السیوطی سرخسی ج ۶ ص ۱۲۴- بدائع الصنائع ج ۳ ص ۵۵- الهدایة الکبری ص ۹۲.

عنوان آیاتی الهی تصور کردی و بر اساس آنها حساب کردی خود را پایه‌گذاری کردی و گفتی که به اسرار قرآن آگاهی پیدا کردی.

پس شخصی مثل شما حروف مقطعه (طس) را در اول سوره نمل این گونه تفسیر کرده است (الطاء: تعطیل کردن و السین: عسل) - بر اساس ادعای وی- چون در اول سوره نمل، و مورچه زندگی در دانه‌ها را از بین می‌برد و آن را تقسیم می‌کند) یا واجب است که (ط) (را این گونه تفسیر کنم تا با آنچه در سر وی می‌گذرد موافق بوده و به نظر خود حق باشم؟!).

و اگر می‌خواستی که برای شما بطلان آنچه شما آن را به عنوان سر نگه داشتی ثابت کنم. آنچه داری را ظاهر کن تا بطلان آن را بیان کنم. و این در حالی است که نیاز به بیان کردن باشد و نه این که واضح باشد که باطل است و اگر به دنبال حق هستی بدان که بسمله فاتحه خود در قرآن کریم است. و برای این در، ظاهر و باطنی وجود دارد.

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾^(۴)

(روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!).

اما باطن یا رحمت، بسم الله الرحمن الرحيم است و اما ظاهر یا عذاب و نقت، بسم الله الواحد القهار است که بسمله توبه است که جاهلان تصور می‌کنند بدون بسمله است و بلکه خداوند از او به رحیم بودن نسبت به مؤمنان ذکر کرده است پس بدان که خداوند خود، از کافران انتقام می‌گیرد و همان‌طور که از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) پرسیده شد که (عدل چیست؟ فرمود: قرار دادن اشیاء در موضع خود. سؤال کردند ظلم چیست؟ آن را توصیف کرد یعنی بر عکس وصف عدل است).

و این دو اسم در فاتحه می‌باشند و این بسمله توبه در فاتحه است. و اضافه می‌کنم که بسم الله الرحمن الرحيم یک تجلی در میان خلق دارد بنابراین تجلی الله، محمد ﷺ و تجلی الرحمن، علی (علیه السلام) و تجلی الرحيم، فاطمه (علیها السلام) است.

بنابر این (الله) مدینه کمالات الهی است و در آن الرحمن الرحيم است و محمد ﷺ شهر علم و

دروازه آن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است که سه رکن هدایت هستند همانطور که (الله، الرحمن، الرحیم) ارکان اسم اعظم هستند.^(۵)

۵. و گفتی که نقض بر (من هو احمد... هو رسول المهدی) با (من هو سعید، طاهر وعد) که مجموع حروف آنها ۱۷ است، وارد می‌باشد.

بنابر این نقض (من هو محمد... هو رسول الله) با من هو فلان و فلان و فلان صحیح خواهد بود و همچنین بر اساس حساب‌های علم حروف این تناقضها صحیح خواهد بود پس چگونه با آن استدلال می‌کنی و چگونه به وسیله آن به دنبال حق و بیان آن هستی؟! و شما با نقض کردن این مسائل بطلان علم حروف را نزد خود به طور کلی نقض کردی اگر به صحت نقض خود ایمان داری!

با توجه به این که شما هیچ نقضی را وارد نکردی و همه این اسامی مال من هستند. بنابراین من سعد النجوم و ستاره صبح و سپر داوود و من آن پاک زاده و وعده خداوند هستم.

و گفتی: (در این دنیا افراد زیادی هستند که نامشان احمد است چه دلیلی دارد که منظور شما هستید؟) هم‌چنین بر اساس نظر شما اهل کتب آسمانی حق دارند اعتراض کنند که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را در کتاب‌هایشان ذکر کرده، فایده‌ای نداشته بلکه بر اساس اعتراضات آنها کاری بیهوده است. وحاشا لله و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از کار بیهوده و لغو که بدون آن که بدانی یا ندانی را متهم کنی. با توجه به این که آنها نه تنها اسم بلکه اسم و صفت، مسکن را ذکر کردند. آیا معقول است که همه این موارد در یک شخص جمع شود و وی محکم و متشابه قرآن را بداند، و اهل قرآن و تورات و انجیل را به مبارزه بطلبد و صدها نفر در رؤیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و پیامبران و رسولان علیهم السلام را ببینند که این شخص را تأیید کنند و به حقانیت وی اقرار کنند. و ملکوت آسمان‌ها وی را تأیید کند و این شخص در زمانی بیاید که همه می‌گویند عصر ظهور است و روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام را بداند و تعارض موجود بین آنها را حل و فصل کند و... و گفته شود که شاید شخص دیگری بیاید که اسم وی احمد باشد و دارای همه این صفات در آخر الزمان باشد و شخص مقصود در روایات و

۵- برای آشنایی بیشتر به متشابهات و گزیده‌ای از تفسیر سوره فاتحه مراجعه کنید.

بیان حق و سداد امر طریق علم اعداد- ج ۱ و ۲..... ۴۱

وصیت رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام وی می باشد^(۶) آیا این عناد و ستیزه‌گری نیست؟ سپس، آیا این کار را یهود با حضرت عیسی (علیه السلام) انجام ندادند و اکنون منتظر آمدن حضرت مسیح (علیه السلام) هستند در حالی که او را تکذیب نمودند؟!

۶. گفتی: (و اگر چه به طور یقین می‌دانم به این سؤال جواب نمی‌دهی...).

روشن کردم که در مورد چهارم سؤال قبلی جواب دارم و آنچه در سر تو می‌گذرد باطل است و من وارد باطل نمی‌شوم مگر این که باطل اعلام شده و بر من واجب باشد به آن پاسخ دهم و فساد بودن آن را روشن کنم آن هم از باب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. و دلیل من دائماً از قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام است. بنابر این قرآن و رسول خدا ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) شعار و مأوی من هستند.

۷. سپس گفتی: (تقوا پیشه کن).

از خداوند می‌خواهم که مرا از پرهیزکاران قرار دهد و مرا آزاد کند و برای خود درست نماید که وی کریم و رئوف است و از جهانیان بی‌نیاز.

۸. سپس گفتی: (و جمعی از ساده لوحان به دنبال تو افتادند).

اگر منظور شما از ساده لوحان کسانی هستند که تواضع دارند، این امر برای آن‌ها عزت و شرف است ولی شما در مقابل اعتراض هستید و به دلیل این که آن‌ها مرا به عنوان این که ادعا کردم فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) هستم تصدیق کردند، مورد اهانت قرار می‌دهی هر کس که سخن شما را بشنود در می‌یابد که منظور شما این است: ﴿وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِرَأْيِي الرَّأْيِ﴾^(۷) (و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی‌کنیم).

و بدان که، اهل بصیرت و قلب‌های پاک از من پیروی کردند که این امر کافی است و اگر شما جز دنیا و حساب‌های بی‌ارزش آن را نمی‌دانی، بدان که بیشتر آن‌ها اساتید دانشگاه و دارای مدارک عالی در علوم و رشته‌های مختلف و مهندسی می‌باشند و دارای جنبه دینی وسیعی هستند و بیشتر آن‌ها را شیوخ و سادات در حوزه نجف می‌باشند که در حوزه علمیه قم و نجف تدریس می‌کنند و بیشتر

۶- امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: (حق را به باطل تغییر ندهید... خداوند قومی از یهود را مورد خطاب قرار داد که ادعای کردند محمد ﷺ پیامبر و علی (علیه السلام) وصی اوست ولی اکنون نمی‌آیند بلکه ۵۰ سال دیگر خواهند آمد). مدینه المعجز- سید هاشم البحرانی ج ۱ ص ۴۷۸.

۷- هود: ۲۷.

آن‌ها مانند سید حسن حمّامی فرزند مرحوم سید محمد علی حمّامی معروف به علم و فضیلت هستند اینان کسانی هستند که جناب‌عالی آن‌ها را ساده لوح و پست می‌نامی.

۹. و گفتی (آنچه به مذهب از قبیل دشنام و تخریب و جهد رسیده کافی است).

چه کسی به مذهب حق اهانت می‌کند؟!

کسی که با نیروهای کافر امریکای اشغالگر مبارزه می‌کند و جهاد با آن‌ها را واجب می‌داند و کسی که به حاکمیت خدا اقرار می‌کند و غیر از معصوم و قرآن را نمی‌پذیرد و قرآن و رسول خدا ﷺ و ائمه (علیهم السلام) را شعار و مأمن خود می‌داند و از آن‌ها نه در قول و نه در فعل پیشی نمی‌گیرد و کسی که به دنبال یاری رساندن به امام مهدی (علیه السلام) و بیعت گرفتن برای وی می‌باشد و یاران او را جمع می‌کند و به زهد در این دنیا و توجه به آخرت و تلاش برای آن دعوت می‌کند؟ یا آن‌که با نیروی امریکایی همسان شد و به دموکراسی و حاکمیت مردم و انتخابات اقرار کرده و قانونی را که مردم وضع کردند را قبول نموده است، به مذهب حق اهانت می‌نماید؟

ولی عجیب نیست، قبلاً هم فرعون درباره موسی (علیه السلام) گفت:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ

الْفَسَادَ﴾. (۸)

(و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من

می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!»).

۱۰. گفتی: (و من شکی ندارم که به زودی ادعای مهدویت می‌کنید).

شما شک را نفی کردید سپس به یقین رسیدید؟ که این بهتانی روشن است و در سخن خود آن را ذکر کردی و جواب دادم که نمی‌گویم و نخواهم گفت که من امام مهدی (علیه السلام) هستم بلکه من مهدی اول از فرزندان او و فرستاده و وصی و یمانی هستم و بدان که بهتان دروغ را به همراه دارد. و رسول خدا ﷺ هر کس را که تکذیب کند از جرگه ایمان بیرون کرده است.

۱۱. (و اگر همان‌طور که ادعا می‌کنی، که به طور قطع و یقین و قطع سرتی را از اسرار کتاب

خدا می‌دانی و به طور یقین می‌دانی که من از آن سرّ نا آگاهم و در آخر به طور یقین می‌دانی که من

فرستاده امام مهدی (علیه السلام) نیستم.

و اگر همان طور که ادعاء می کنی که شک نداری و...).

و من (و از من به خدا پناه می برم) از شما که یقین داری، دعوت می کنم که با یقینت اکنون عمل کن و این قسم را که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، بخور و بگو: (من فلانی فرزند فلانی از حول و قوت خدا به قوت و حول و قوه میرا هستم و احمد الحسن بر روی حق و فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود است سپس می گویی خدایا اگر احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) است بر من عذابی دردناک نازل کن).^(۹)

۱۲. علماء و طلاب حوزه علمیه را دعوت کردم که کتاب های متشابهات که بیشتر از یک سال (سال انشار این کتاب) از صدور آن می گذرد، ردی بنویسند.

و اکنون من شما را همان طور که همه مسلمانان و علمای آنها را دعوت به رد حتی یک مسئله که آن را تفسیر کردم، می نمایم و من بنده، فقیر و محتاج به رحمت خداوند با چند کلمه از شما رد می خواهم.

۹- این قسم معروف به قسم برائت است. شیخ کلینی با سندی از صفوان جَمَّال روایت نموده است که گفت: (من برای مرتبه دوم ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) را به کوفه می بردم و ابو جعفر منصور در آنجا بود. هنگامی که حضرت بر هاشمیه (شهر جعفر منصور) اشراف پیدا کرد پایش را از رکاب بیرون آورد و پیاده شد و یک قاطر سفید طلب نمود، و لباس سفیدی در بر کرد، و کمر بند سفیدی بر روی آن بست. و چون بر منصور وارد شد او به حضرت عرض کرد: آیا خودت را به پیامبران شبیه گردانیده ای؟! حضرت فرمود: چه وقت تو مرا از فرزندان پیامبران جدا می کنی؟! منصور عرض کرد: من بر آن شده ام که به مدینه بفرستم کسی را که نخل آنجا را ببرد، و اطفال را اسیر گرداند. حضرت فرمود: به چه سبب؟! منصور عرض کرد: به من چنین رسیده است که: نماینده و مدیر عامل تو مُعَلَّى بن حُئیس مردم را به سوی تو فرا می خواند، و اموال را برای تو گرد می آورد. حضرت فرمود: والله چنین چیزی نیست! منصور عرض کرد: من سوگند به خدا را از تو نمی پذیرم، و به سوگندی تنازل نمی کنم و راضی نمی شوم مگر آن که سوگند به طلاق و عِتاق و هَدَی و مَشْی باشد. حضرت فرمود: آیا تو مرا امر می کنی که به شریکان خدا سوگند بخورم و سوگند به خدا نخورم؟! حَقّاً و تحقیقاً کسی که به خدا راضی نگردد، هیچ نصیبی از خدا نخواهد داشت. منصور عرض کرد: برای من فُقُهَت را غلبه می دهی؟! حضرت فرمود: چگونه مرا از فقه دور می پنداری با وجودی که من پسر رسول خدا ﷺ می باشم؟! منصور عرض کرد: من میان تو و میان آن کس که سعایت از تو نموده است جمع می کنم. حضرت فرمود: این کار را بکن! منصور عرض کرد: تا آن مرد ساعی آمد. حضرت فرمود: ای مرد آیا چنین بوده است؟! آن مرد گفت: آری سوگند به خداوندی که معبودی غیر از او وجود ندارد، و او به باطن و آشکارا عالم است، و دارای اسم رحمن و رحیم می باشد، تو آن کار را انجام داده ای! حضرت فرمود: ای وای بر تو! تو که خدا را با جلال و عظمت یاد می کنی خدا از عذاب کردن تو خجالت می کشد، ولیکن این طور بگو: من از حَوْل و قُوه خدا بیرون شدم و به حَوْل و قُوه خودم در آمدم! چون آن مرد نَمَام و سخن چین با این عبارت سوگند یاد کرد، هنوز سوگندش به آخر نرسیده بود که مرده بر روی زمین افتاد. منصور به حضرت گفت: از این پس، سخن هیچ کس را که بر علیه تو چیزی بگوید تصدیق نمی کنم، و جائزه نیکوئی به حضرت داد، و او را مراجعت داد. الکافی ج ۶ ص ۴۴۵.

معنی: (اللهم صل علی محمد و آل محمد) چیست و علت این که از خدا می‌خواهیم که: (اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم) چیست؟
و بر عکس به طور علمی از این تفسیر مسأله‌ای که هر روز از ۱۴۰۰ سال پیش نماز تکرار می‌کنید، عاجز ماندید و معنای آن را نمی‌دانید و آن هم صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است. و از این طریق غنای من به وسیله خدا از شما و فقر شما و احتیاج شما به من واضح می‌شود. چه بخواهید و چه نخواهید حجت خود را با همان روش پدرانم علیهم السلام بر شما ثابت کردم و لعنت خدا بر هر حسود متکبر که به روز حساب ایمان ندارد، باد.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ (۱۰)

(یا این که نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آن چه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی‌اسرائیل] قرار دادیم).

و از آنجا که استدلال نسبت به تو با علم حروف تعجب کردی با این که شما با علم حروف استدلال می‌کنید (اثبات علمی ریاضی بهترین و پدر ادله است) فصل چهارم کتاب، بنابر این به معلومات شما می‌افزایم و بعضی از این محاسبات را برایت می‌فرستم تا عجب و عناد و تکبر خودت را نسبت به خدا و اولیاء او زیاد کند.

۱. عدد جند الله (سپاه خدا) و عدد آل محمد را حساب کن هر دوی آنها ۲۴ خواهد بود.

ج ن د ا ل ل ه

$$۳ + ۵ + ۴ + ۱ + ۳ + ۳ + ۵ = ۲۴ \text{ جمع کوچک}$$

ا ل م ح م د

$$۱ + ۳ + ۴ + ۸ + ۴ + ۴ = ۲۴ \text{ جمع کوچک}$$

از طریق این حساب خواهد دید که جند الله، آل محمد علیهم السلام هستند و عدد آنها ۲۴ نفر هستند که ۱۲ امام و ۱۲ مهدی که در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده‌اند.

۲. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِبُونَ﴾،^(۱۱) (وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... * که آنان یاری شدگانند، * و لشکر ما پیروزند!).

این آیه وعده الهی به پیامبران که نصرت و پیروزی با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است را ذکر می‌کند. و اکنون که آل محمد صلی الله علیه و آله جند الله هستند و ۲۴ نفرند (۱۲ امام و ۱۲ مهدی) بایستی که سپاه خدا پیروز باشد. وی یکی از آنهاست یعنی: با ظهور یکی از آنها در عالم جسمانی، و واضح است که تحقق یاری خدا و پیروزی امام مهدی علیه السلام با ظهور مهدی اول و مؤمن اول همان‌طور که در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حدیث امام علی علیه السلام آمده است، تحقق پیدا می‌کند. چون وی او عده ۳۱۳ نفر است و جمع را به کار برده است با این که وی یک امت همان‌طور که خداوند ابراهیم را یک امت می‌نامید همان‌طور که در ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ را به صورت جمع به کار برده، در صورتی که کسی که زکات داده و رکوع کرده علی علیه السلام بوده است.

اکنون احمد الحسن را با (جندنا الغالبون) حساب کن هر دو در عدد ۴۰ مساوی هستند.

ا ح م د ا ل ح س ن

۱+۴+۴+۱+۳+۱+۸+۶+۵ = ۴۰ جمع کوچک

ج ن د ن ا ا ل غ ا ل ب و ن

۳+۵+۴+۱+۵+۱+۳+۱+۱+۳+۱+۲+۶+۵ = ۴۰ جمع کوچک

برای شما آشکار شد که (جندنا الغالبون) با (احمد الحسن) مساوی است یعنی نصر خداوندی و نصر امام مهدی علیه السلام با آمدن آن شخص در این عالم جسمانی تحقق پیدا می‌کند.

و بدان که درباره عدد (۴۰) سخن دراز است. و در این کلمات (جندنا الغالبون) کلامی عظیم است.

۳. در سوره دخان خداوند خبر از عذابی می‌دهد که قبل از قیامت کبری واقع می‌شود و به آن مربوط نیست بلکه از بین می‌رود و زندگی پس از آن تا قیامت کبری ادامه خواهد داشت و این رود (عذاب) مربوط به قیامت صغری و متصل به آن است. و آن قیام امام مهدی علیه السلام است و عذاب نازل نمی‌شود مگر بعد از فرستادن فرستاده. خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(۱۲) (و ما هرگز عذاب نخواهیم کرد، مگر آن که رسولی

بفرستیم).

این رسول کیست که قبل از عذاب فرستاده می شود؟ تا آنجایی که این عذاب به علت تکذیب این رسول توسط مردم، نازل می شود خداوند می فرماید: ﴿أَنِّي لَهُمُ الذَّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ﴾^(۱۳) (چگونه: و از کجا متذکر می شوند با این که رسول روشن گر به سراغشان آمد! * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است!» * ما عذاب را کمی برطرف می سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی گردید!).

بنابر این خداوند وی را رسول و مبین یاد کرد، و کلمه رسول مبین در قرآن فقط یک بار ذکر شده و آن هم در سوره دخان.

و اکنون حساب کن:

احمد الحسن را رسول مبین خواهی دید:

ا ح م د ا ل ح س ن

۱+۱+۴+۳+۱+۸+۶+۵ = ۴۰ جمع کوچک

ه و ر س و ل م ب ب ن

۵+۶+۲+۶+۳+۴+۲+۱+۵ = ۴۰ جمع کوچک

برای شما روشن شد که احمد الحسن، رسول مبین است که در سوره دخان ذکر شده، و آن هم با اثبات علمی ریاضی که شما آن را پدر ادله نام نهادی.

آیا همه این موارد تصادفی هستند ای کسی که تصادفی بودن را در کتاب خود قبول نداری؟!

احمد الحسن

جمادی ۱ / ۱۴۲۶ هـ. ق برابر با خرداد ماه ۱۳۸۴ هـ. ش

۱۲- الإسراء: ۱۵.

۱۳- الدخان: ۱۶-۱۳.

توجه: اصل مطالب به دلیل لزوم تطابق اعداد و حروف، با زبان عربی ذکر شده است.

• ما اسم وصی المهدي = احمد الحسن

م ا س م و ص ي ال م ه د ي

$$40 = (9) + (16) + 4 + 6 + 1 + 4$$

ا ح م د ا ل ح س ن

$$40 = 5 + 6 + 8 + 3 + 1 + 4 + 4 + 8 + 1$$

• سابغات: که سپر داوود، ستاره شش ضلعی و ستاره صیح است.

س ا ب غ ا ت

$$15 = 4 + 1 + 1 + 2 + 1 + 9$$

که رقم مهدی اول بعد از ۱۴ معصوم (علیه السلام) است. و ایشان محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و ائمه (علیهم السلام) از فرزندان علی (علیه السلام) هستند که جمع آنها ۱۴ معصوم است، پس مهدی اول می آید که پانزدهم است.

و او سپر داوود و شعار وی سپر داوود است در قرآن از آن به سابغات یاد شده است.

﴿أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (۱۴)

(و به او گفتیم: زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح

به جا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم!).

مَنْ نَجْمه داود یعنی ستاره داوود کیست؟ = احمد الحسن

م ن ن ج م ت د ا و د

$$40 = 4 + 6 + 1 + 4 + 4 + 4 + 3 + 5 + 5 + 4$$

ا ح م د ا ل ح س ن

$$40 = 5 + 6 + 8 + 3 + 1 + 4 + 4 + 8 + 1$$

• من هو احمد = ۳۷ ما هو كتاب الله = ۳۷

هو رسول المهدي = ۳۷ هو القرآن الكريم = ۳۷

النبا العظيم = ۳۷

من هو احمد = ما هو كتاب الله = هو رسول المهدي = هو القرآن الكريم = هو النبا العظيم
و بدان که حجت بر خلق کتاب خدا در هر زمان است و حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله و قرآن ناطق
در هر زمان است. و وصی رسول الله محمد صلی الله علیه و آله و علی ابن ابیطالب علیه السلام نباء عظیم خواهد بود.
و در این زمان وصی امام مهدی علیه السلام نباء عظیم است چون که درباره نباء عظیم اختلاف و
خصومت هست.

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ * أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ * مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ (۱۵)

(بگو: آن خبر بزرگ عالم است * شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعتراض می کنید * مرا بر فرشتگان
عالم بالا که خصومت و گفت و گو داشتند علمی نبود).

و خصومت و گفت و گو به علت در آن است. که خصومت بر باب رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصی امام
مهدی علیه السلام است چرا که وی در ورود به امام مهدی علیه السلام است.

- سوره مریم که مخصوص حضرت عیسی و ذکریا و یحیی علیهم السلام است.
- در اول سوره حروف مقطعه (کهیعیص) است. که سر سوره می باشند.

ک ه ی ع ص

۲۰ ۵ ۱ ۷۰ ۹۰ = ۲۴ جمع کوچک

و روشن شد که: کهیعیص = جند الله = آل محمد علیهم السلام هستند.

تا جایی که کهیعیص = ۲۴ با جمع کوچک = آل محمد علیهم السلام = جند الله است. همان طور که ثابت
شد عدد آن ها ۲۴ است همان طور روشن شد که (کهیعیص) دژی در برابر شیاطین انس و جن است
چون نماینده جند الله است.

• حم عسق = احمد

ح م ع س ق

۸ ۴۰ ۷۰ ۶۰ ۱۰۰ = ۲۷۸ = ۲+۷+۸ = ۱۷ جمع بزرگ و به جمع کوچک تغییر پیدا

می کند که عدد اسم (احمد) است و (حم عسق) اول سوره شوری است و سوره شوری دارای علم

زیادی است همان طور که اهل بیت (علیهم السلام) ذکر کردند و سوره شوری سوره قائم (۱۶) و حکم خداست.
﴿أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾. (۱۷)

(آن چه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آن چه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند).

و سر آن در ابتدای آن است و وی (حم عسق) که احمد است.

● ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾. (۱۸)

(ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است).

و (ص) نهری است که در عرش جریان دارد. (۱۹)

و یمانی حجر و رکن یمانی نهر موجود در بهشت است که اعمال بندگان از طریق آن پذیرفته می شوند (۲۰) این نهر از عرش آغاز شده و به بهشت می رسد و به زمین منتهی می شود که یمانی است

۱۶- یحیی بن مسیره الخنعمی از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که شنیدم می فرماید: (حم عسق عدد سال های قائم است و(قاف) کوهی است از زمرد سبز که دنیا را احاطه کرده است و سبزی آسمان از آن است و علم همه در جمعش است). تأویل الآیات شرف الدین الحسینی ج ۲ ص ۵۴۲- تفسیر البرهان ج ۲۵ مج ۷ ص ۶۴ و آمده (و علم همه چیز در عسق است).

۱۷- الشوری: ۱۳.

۱۸- ص: ۱.

۱۹- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: (... و اما (ص) نهری است در زیر عرش چشمه دارد. و چشمه ای است که پیامبر هنگام معراج از آن وضو گرفت). معانی الأخبار ص ۲۲.

- اسحاق بن عمار- از امام کاظم (علیه السلام) در حدیثی نقل می کند که: (عرض کردم فدایت شوم (ص) چیست که امر شده از آن غسل گیریم؟ فرمود: (ص) القرآن ذی الذکر) به او امر شد که وضوء بگیرد و قرآن بخواند و نماز بر پا دارد). علل الشرائع ج ۲ ص ۳۳۵.

- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (سپس به او وحی شد: ای محمد به (ص) نزدیک شو و محل های سجود را غسل بده و طهارت کن و برای خدایت نماز برپا کن. رسول خدا نزدیک شد و آن آبی است که از ساق راست عرش نازل می شود). الکافی ج ۳ ص ۴۸۵.

۲۰- صدوق از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: (رکن یمانی در است که از طریق آن وارد بهشت می شویم. و فرمود: دارای دری از درهای بهشت از هنگامی که باز شده، بسته نشده است و در آن رودی از بهشت است که اعمال بندگان از آن جا مورد قبول قرار می گیرند). من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۰۸.

کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره وی فرموده است (اسم وی احمد و عبد الله و مهدی) که مهدی به یمانی و وزیر امام مهدی (علیه السلام) است. بنا بر این امام مهدی (علیه السلام) هم مهدی خوانده می شود و هم چنین یمانی، بنا بر وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مهدی خوانده می شود.

و الان حساب کن.

ص = ۹۰ و الیمانی و هو المهدي = ۹۰

روشن می شود که: ص = المهدي

و اکنون آن چه به (ص) با مهدی (علیه السلام) مربوط می شود در قرآن می خوانیم.

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ * كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا
وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ * وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾. (۲۱)

بیان حق و سداد **جزء دوم** پایان یافت

انصار امام مهدی (علیه السلام)

بیان حق و سداد امر طریق علم اعداد- ج ۱ و ۲..... ۵۱

در این جا بعضی از حساب ها را از کتاب الکهف و الرقیم جزء اول، کتاب الأبرار نوشته صباح الزیادی انتخاب کردیم.

این مجموعه ای از حساب ها با جمع کوچک می باشد و نویسنده به سؤال (من هو یعنی چه کسی)، و جواب (هو یعنی او) اکتفاء می کند و در نتیجه سؤال و جواب مساوی خواهند بود. از جزئیات صرف نظر کردیم. هر کس جزئیات را خواستار است به کتاب مذکور مراجعه کند.

سؤال	جواب
من هو الیمانی = ۳۶	هو داعی الله = ۳۶
من هو الریاح = ۳۶	هو المندوب = ۳۶
من هو السبیل = ۳۶	
من هو الدابة = ۳۶	

سؤال	جواب
من هو المهدي = ۳۸	هو دابة الأرض = ۳۸
من هو المنتظر = ۳۸	هو الخلیفه = ۳۸
	هو نائب المهدي = ۳۸

سؤال	جواب
من هو بقية الله = ۴۰	هو الركن الشدید = ۴۰
من هو الحارث = ۴۰	هو رسول مبین = ۴۰
من هو الحجة = ۴۰	هو الذي يلي أمره = ۴۰
من هو محمد = ۴۰	هو الكساء الیمانی = ۴۰

سؤال	جواب

<p>٤٥ = هو أول المهديين</p> <p>٤٥ = هو معز الأولياء</p> <p>٤٥ = هو وزير المهدي</p> <p>٤٥ = هو طالع المشرق</p> <p>٤٥ = هو الذي شبه لهم</p> <p>٤٥ = هو خاملاً أصله</p> <p>٤٥ = هو المكنى بعمه</p>	<p>٤٥ = من هو داعي الله</p> <p>٤٥ = من هو المندوب</p>
---	---

<p>جواب</p> <p>٤٦ = هو رسول المهدي</p> <p>٤٦ = هو الميت الحي</p>	<p>سؤال</p> <p>٤٦ = من هو وكيل الإمام</p> <p>٤٦ = من هو داعي الحق</p> <p>٤٦ = من هو نائب المهدي</p>
--	---

<p>جواب</p> <p>٤٨ = هو الموتور بأبيه</p>	<p>سؤال</p> <p>٤٨ = من هو درع داود</p> <p>٤٨ = من هو المصلح</p> <p>٤٨ = من هو حجة الله</p>
--	--

<p>جواب</p> <p>٤٩ = هو رجل منا أهل البيت</p> <p>٤٩ = هو ذبح عظيم</p>	<p>سؤال</p> <p>٤٩ = من هو الركن الشديد</p> <p>٤٩ = من هو رسول مبین</p> <p>٤٩ = من هو الذي يلي أمره</p> <p>٤٩ = من هو الكساء اليماني</p>
--	---

سؤال	جواب
من هو قائم آل محمد = ٥١	هو احمد الحسن = ٥١
من هو رسول الإمام = ٥١	هو نائب الإمام المهدي = ٥١
من هو الموعود = ٥١	هو نجمة الصبح = ٥١
من هو منزل الأعداء = ٥١	هو ابن الإمام المهدي = ٥١
	هو بن يس و الذاريات = ٥١
	هو حبل الله المتين = ٥١

سؤال	جواب
من هو بقية آل محمد = ٥٢	هو صراط مستقيم = ٥٢
من هو المهدي الأول = ٥٢	هو نجمة الصباح = ٥٢
من هو المنصور = ٥٢	هو فلان بن فلان = ٥٢
من هو حامل الأصل = ٥٢	هو خليفة المهدي = ٥٢
	هو الذي يهدي إلى الحق = ٥٢
	هو ابن يس و الذاريات = ٥٢

سؤال	جواب
من هو خليفة القائم = ٥٣	هو مندوب المنقذ = ٥٣
من هو ناقة صالح = ٥٣	هو العبد الصالح = ٥٣
	هو الذبح العظيم = ٥٣
	هو المؤيد بجبرائيل = ٥٣

سؤال	جواب
من هو معز الأولياء = ٥٤	هو المستحفظ = ٥٤
من هو وزير المهدي = ٥٤	هو منقطع النسب = ٥٤

<p>هو المستحفظ = ٥٤</p> <p>هو منقطع النسب = ٥٤</p>	<p>من هو طالع المشرق = ٥٤</p> <p>من هو الذي شبه لهم = ٥٤</p> <p>من هو خاملاً اصله = ٥٤</p> <p>من هو المكنى بعمه = ٥٤</p> <p>من هو أول المهديين = ٥٤</p>
--	---

<p>سؤال</p>	<p>جواب</p>
<p>من هو الميت الحي = ٥٥</p>	<p>هو حرز فاطمة = ٥٥</p> <p>هو مقطوع النسب = ٥٥</p> <p>هو وكيل الإمام المهدي = ٥٥</p>

<p>سؤال</p>	<p>جواب</p>
<p>من هو الموتور بأبيه = ٥٧</p>	<p>هو من ولد الحسين = ٥٧</p>

<p>سؤال</p>	<p>جواب</p>
<p>من هو أول المؤمنين = ٥٩</p>	<p>هو وصي الإمام المهدي = ٥٩</p> <p>هو وزير الإمام المهدي = ٥٩</p>

<p>سؤال</p>	<p>جواب</p>
<p>من هو احمد الحسن = ٦٠</p> <p>من هو ابن الإمام المهدي = ٦٠</p> <p>من هو نائب الإمام المهدي = ٦٠</p> <p>من هو نجمة الصبح = ٦٠</p>	<p>هو رسول الإمام المهدي = ٦٠</p> <p>هو الصراط المستقيم = ٦٠</p>

	<p>من هو بن يس والذاريات = ٦٠</p> <p>من هو حبل الله المتين = ٦٠</p>
--	---

سؤال	جواب
<p>من هو خليفة المهدي = ٦١</p> <p>من هو ابن يس و الذاريات = ٦١</p> <p>من هو نجمة الصباح = ٦١</p> <p>من هو فلان بن فلان = ٦١</p> <p>من هو صراط مستقيم = ٦١</p> <p>من هو الذي يهدي الى الحق = ٦١</p>	<p>هو القديم الجديد = ٦١</p> <p>هو المقتول المصلوب = ٦١</p> <p>هو الحججة بن الحسن = ٦١</p>

سؤال	جواب
<p>من هو وكيل الإمام المهدي = ٦٤</p> <p>من هو مقطوع النسب = ٦٤</p> <p>من هو حرز فاطمة = ٦٤</p>	<p>هو المولى الذي كان معه = ٦٤</p> <p>هو الذي يكون له الحمل = ٦٤</p> <p>هو مندوب الإمام المهدي = ٦٤</p>

سؤال	جواب
<p>من هو أول أنصار المهدي = ٦٦</p> <p>من هو من ولد الحسين = ٦٦</p> <p>من هو الذي يلي أمره = ٦٦</p> <p>من هو الكساء اليماني = ٦٦</p>	<p>هو خليفة الإمام المهدي = ٦٦</p> <p>هو باب الله الذي منه يؤتى = ٦٦</p>

سؤال	جواب
<p>من هو الذي يلي أمره = ٦٧</p>	<p>هو احمد الحسن اليماني = ٦٧</p>
<p>من هو احمد اليماني الموعود = ٨٤</p>	<p>هو صدر الخلائق ذو البر و التقوى = ٨٤</p>

من هو رجل منا أهل البيت = ۵۸	هو اليماني الموعود = ۵۸
من هو وصي الإمام المهدي = ۶۸	هو الذي يلي أمره = ۵۸
من هو وزير الإمام المهدي = ۶۸	هو نذير من النذر الأولى = ۶۸

سؤال	جواب
من هو القديم الجديد = ۷۰	هو المولى الذي ولي البيعة = ۷۰
من هو المقتول المصلوب = ۷۰	
من هو الحجّة بن الحسن = ۷۰	
من هو الذي يلوى له الحنك = ۷۰	

سؤال	جواب
من هو المستحفظ من آل محمد = ۹۲	هو المندوب احمد الحسن اليماني = ۹۲
من هو وزير الإمام المهدي الأيمن = ۹۲	
من هو قاطع حبات الكذب و الافتراء = ۹۲	

و از کتاب الکھف و الرقیم ج ۱ (کتاب الأبرار) نوشته صباح الزیادی این حساب را با جمع بزرگ می آوریم.

سؤال	جواب
من هو ولي الله = ۲۱۳	هو احمد الحسن = ۲۱۳

«آنچه از کتاب (الکھف و الرقیم) نوشته صباح الزیادی انتخاب کردیم به پایان رسید.

انصار امام مهدی علیه السلام

(مکن الله له في الأرض)

۷/ محرم الحرام / ۱۴۲۷ هـ. ق برابر با دوشنبه / ۸ آبان ماه / ۱۳۸۵ هـ. ش